



## دو یاد داشت کوتاه



### رهبری جنبش یا سیاهی لشکر میرحسین موسوی؟

در میان نیروهای سیاسی بر سر حمایت از جنبش مردم و شرکت در آن بحث سابقه داری در گرفت. توده پرستان بار دیگر به میدان آمدند و مدعی شدند که ما باید همان شعارها و خواسته‌هایی را تکرار کنیم که توده مردم بر زبان می آورند. "سازمان فدائیان خلق اکثریت" که جریانی خودفروخته است از این قماش بود. طبیعتاً ایجاد محدودیت برای تعقل، نفی نقش نیروی آگاه، دنباله روی از پی جماعت به بهانه اینکه توده مردم این یا آن را گفته اند و "ابهت مردمی" را وسیله ارباب ساختن تا گمراهی مداومت یابد، تنها به مفهوم آن است که عنصر آگاه و با تجربه مهار خویش را بدست جماعت ناآگاه بسپارد. این به مفهوم آن است که یک جنبش فاقد رهبری و گیج و ویج بهتر از یک جنبش آگاه و با دورنماست.

این توده پرستان همه را دعوت می کنند و می کردند که همان شعارهای مردم را تکرار کنیم و بپذیریم که موسوی رهبر ماست و جنبش ما دارای رنگ سبز است و هدفمان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست. آنها در واقع عصای دست میرحسین موسوی بودند. آنها همدست یک جناح حاکمیت اسلامی بر ضد جناح دیگر می شدند. آنها در حقیقت سیاهی لشکر میرحسین موسوی، هاشمی رفسنجانی، ناطق نوری و... بر ضد مصباح یزدی، مجتبی خامنه ای، ولی فقیه و جنتی و... بودند. توده مردم در جنبش شرکت می کرد، قربانی می داد، فداکاری می کرد تا جناح رفسنجانی با سواری گرفتن از مردم از جناح خامنه ای امتیاز بگیرد.

این توده پرستان که راه افتاده بودند و همه را تشویق می کردند که به طوطی تکرار شعارهای مردم بدل شوند و از خودشان ابتکاری نداشته باشند یا جاهل اند و یا عامل هاشمی رفسنجانی و فلاحیان مبتکران قتل‌های زنجیره ای در ایران.

عنصر آگاه انقلابی وظیفه اش هرگز دنباله روی از توده ها نیست و نبوده است. ولی عنصر آگاه انقلابی باید در جنبش شرکت کند، به جنبش جهت دهد، مردم را در سوی صحیح هدایت کند و به آنها آموزش دهد. طبیعتاً اگر هدف عنصر آگاه هوادار یکی از جناحین حاکمیت که ضد انقلابی است، این باشد که میرحسین موسوی به جای احمدی نژاد قاتل دکتر سامی بنشیند، آنوقت تلاشش در این است که خواسته‌های مردم را محدود کرده و مانع انکشاف آنها شود. در حالیکه یک عنصر انقلابی و آگاه در جهت این حرکت می کند که به مردم ثابت کند که راه نجات ایران نه در تعویض جناحهای حاکمیت بلکه در نفی تمامیت این نظام نهفته است و باید شعار سرنگونی این نظام را ترویج کرد و تبلیغ نمود تا مردم به لزوم این سرنگونی و این که راه رهائی و گام اولیه در استقرار یک ایران دموکراتیک و آزاد خواهد بود واقف شوند. اگر قرار باشد چنین اقدامی صورت نگیرد و طوطی وار مردم به سپر بلای رفسنجانی ها بدل شوند آنوقت این تسلسل و دور باطل، این شرایط انتخاب میان وبا و طاعون تا ابد ادامه دارد. وگرنه باز در چهار سال دیگر پرسش امروز در پیش پای مردم است و باید به آن پاسخ داد. باین جهت تبلیغ لزوم سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تبدیل آن بیک نیروی مادی که طبیعتاً در نتیجه تجربه عملی خود توده ها نیل به آن ممکن است باید در دستور کار نیروهای انقلابی قرار گیرد و باید این طلسم توده پرستی و دنباله روی از توده را بشکنند و به عنوان نیروی انقلابی آگاه به روند مبارزه مردم برخورد کرده و تنها با این دورنما در رهبری آن شرکت کنند و مانع شوند تا بیشترین صدمات به آن بخورد. رهبری کمونیستی در این جنبش به مفهوم حفظ جنبش نیز هست تا توده مردم کمترین قربانی را همراه با بیشترین دست‌آورد دارا شوند. تئوری اینکه هرچه بیشتر کشته شود "بهرتر و انقلابی" تر است تئوری ضد انسانی و در عین حال ضد انقلابی است. چون دقیقاً می تواند به یاس و سرخوردگی جنبش بدل شود و آنارشسیسم

را تقویت کند که نتایج آتی آن بسیار مضر برای کل جنبش انقلابی خواهد بود. لذا حزب ما خواهان طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. تنها طرح این شعار است که پرسش بعد از آنرا در دستور کار قرار داده و مطرح می سازد پرسشی که بعد از آن چه می شود گام بعدی است که باید با همه گیر شدن شعار قبلی در دستور کار قرار گیرد. حزب ما از شعار سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی حمایت می کند که دورنمای بعد از سرنگونی را نیز در متن خود دارد.

\* \* \* \* \*

## بحران عمیق، زمزمه حذف علی خامنه ای و شورایی کردن اصل ولایت

وضعیت ایران بشدت بحرانی است، جامعه بشدت دچار سقوط اخلاقی است. گرانی بیداد میکند. روزنامه سرمایه چاپ تهران نوشته است که قیمت گوشت ران به 13 هزار و 500 تومان در کیلو رسیده است. گوشت مرغ نیز در دو هفته اخیر افزایشی بین چهار صد تا هفتصد تومان در کیلو را نشان میدهد. قیمت برنج و تخم مرغ، میوه و شکر و سایر مواد خوراکی بین ده تا پنجاه درصد افزایش داشته است. فقر، اعتیاد، فحشاء، رشوه خواری و دزدی و جنایت و زورگویی و خودسری مقامات مسئول و زیر پا گذاردن قانون خودشان و اعلام بی اعتباری همه این قوانین خود ساخته و اعلام رسمی اعمال سیاست استبدادی و نظایر آنها، همه و همه دستاورد جمهوری سرمایه داری اسلامی است. این را ما نمی گوئیم حکومت کودتاچی احمدی نژاد و خامنه ای با انتخابات فلابیش که حتی خودی ها را کنار گذارده است می گوید. این رژیم مافیای سرمایه داری اسلامی است که می گوید ما به خودسری و پنهانکاری، و زد و بند خود ادامه می دهیم. ما به مردم اعتماد نداریم و تصمیمات را پشت پرده می گیریم. این ما هستیم که کودتا کردیم، مردم را فریفتیم و به پای صندوق رای کشاندیم و با گلوله و شکنجه و کشتار نیز پاسخ اعتراضات آرام مردم را داده ایم. ما نیازی نداریم به مردم ایران گزارش دهیم. زندان کهریزک را فقط به خاطر «استاندارد» نبودش بستیم و نه چیز دیگر. ما ایران را ملک خصوصی خود می دانیم. ما هستیم که تصمیم می گیریم چه کسی حق دارد تا چه حد بشنود و چه کسی باید کر و کور باشد و حق حرف نداشته باشد. ما به نظر مردم نیاز نداریم، مردم ایران صغیرند و آن ولی فقیه است که قیم مردم است و بر همه نظارت دارد. ما به کسی توضیح نمی دهیم. ما هر کار را که خودمان صلاح بدانیم در میان محفل سرّی خود تصمیم می گیریم و به همه مردم تحمیل می کنیم. رژیم اسلامی کودتاگر، مردم را از آن خود نمی داند، همه چیز را از چشم مردم پنهان می کند پس چرا باید مردم این نظام کثیف را از آن خود بدانند؟ این همان وضعی است که اکنون در ایران پدید آورده اند. انتخابات فلابی، تقلب و قبحانه، کشتار بیرحمانه مردم، تجاوز جنسی به پسران و دختران جوان، تواب ساختن یاران دیروزی که خود در ساختن این ماشین سلاخی نقش مهمی داشته اند، اذعان به شکست و اعلام بحران عمیقی است که رژیم را به بن بست کامل کشانده و وی را هر روز به پرتگاه سقوط نزدیک میگرداند. کودتای 22 خرداد و تحولات بعد از آن آغازی برای پایان عمر رژیم جمهوری اسلامی است. پیشنهاد عزل احتمالی سیدعلی خامنه ای و "شورایی کردن اصل ولایت و قیح" و رفرم در چهارچوب قانون اساسی اسلامی برای خروج از بحران و حفظ جمهوری تبهکاران، قصابان و جلاان اسلامی که این روزها از سوی جناح و محافظی از رژیم طرح میگردد دیگرکارساز نبوده و مردم ایران به کمتر از سرنگونی این نظام کثیف و خونریز رضایت نخواهد داد. مردم ایران برای محاکمه و مجازات این قاتلان، کلاشان و زالوصفاتان که در خلال سه دهه خون کارگران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، روشنفکران، زنان و جوانان و همه زحمتکشان... رادر شیشه کرده اند بیثباتی کرده و خود را برای نبرد نهایی و بر اندازی این نظام جهنمی آماده می نمایند. مرگ بردروغگویان و مردم فریبانی که تلاش برای حفظ این نظام چرک و خون دارند.

نقل از توفان الکترونیکی شماره 37 نشریه الکترونیکی حزب کار ایران نیمه دوم مرداد ماه 1388

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)